

فصل هفتم

امکانات حیرت‌انگیز نظم

مجموعه‌ی هجاهای هر سطر از شعر به گروه‌های کوچکی به نام «رکن» یا «پایه» تقسیم می‌شوند. در وزن‌های تکیه‌ای (مانند وزن شعر انگلیسی) هر رکن، وزن یا بحری دارد که شامل یک هجای تکیه‌دار و یک یا چند هجای بدون تکیه است.^۱ اما نامگذاری اوزان و بحور و ارکان، اهمیت چندانی ندارد، بلکه احساس وزن، مهم‌ترین نکته است.

هر سازنده‌ی نظم، گذشته از مجموعه واژه‌های هم‌قافیه، به واژه‌های دیگر، موضوع‌ها و منابع الهام نیاز دارد. قافیه‌پردازی و حتی وزن‌دادن به واژه‌ها، دشوار نیست. بخش دشوار کار، طبیعی و روان ساختن نظم است. نظمی که متکلف و تصنعی به نظر آید، خوشایند نیست. کمی کار روی متن، می‌تواند درخشش فراوانی به آن ببخشد.

البته بعضی از متن‌ها کاملاً به نظم نوشته می‌شوند؛ این کار، زیبایی خاصی از نوع قصه‌های پریان را به متن می‌بخشد. اما نظم، گذشته از این می‌تواند به روش‌های گزیده‌تری به کار گرفته شود. من گاه برای کمک به متمایز ساختن شخصیت‌ها به شعر اتکا کرده‌ام؛ به خصوص برای نشان دادن سطوح متفاوت هستی. تعداد اندکی

بیش‌تر ما از شعرهای قافیه‌دار لذت می‌بریم؛ چه در کتابی از شعرهای «امیلی دیکنسن»^۱، چه در یک تبلیغ ضربی زیرکانه‌ی تلویزیونی و چه روی یک کارت تبریک.

چرا از این چیزها خوشمان می‌آید؟ وزن، همواره به دلیلی نامشخص برای گوش خوشایند بوده است. قافیه نیز، انگیزش خارخار ملایم و خرد لذت را در پی دارد. قافیه به روش‌هایی مبهم، به مضمون، درخشش می‌بخشد و رضایت خاطر فراوانی در شنوندگان ایجاد می‌کند. نثر هرگز به تنهایی از پس این کار برنمی‌آید. به دلیل جاذبه‌ی همگانی شعر، این ابزار در نوشتن نمایش‌نامه‌های عروسکی قابلیت فوق‌العاده‌ای دارد و دست کم باید به استفاده از آن اندیشید. «عروض» که نام دیگر «فن موزون‌سازی کلام» است، موضوع بسیار جذابی است که ابعاد فراوانی دارد، اما برای آغاز کار ساختن نظم‌های سبک، تنها دانستن مقدمات آن لازم است.

گرچه برخی از ما شعر دوست نیستیم و شاید حتی از تحلیل عروضی و اجزای شعر بی‌خبر باشیم، اما همگی وقتی شعری را می‌بینیم، آن را تشخیص می‌دهیم.

۱. Emily Dickenson: شاعر آمریکایی (۱۸۳۰-۱۸۸۶)

۲. در اوزان عروضی (مانند وزن شعر فارسی)، ارکان و پایه‌های عروضی از مجموعه‌ی صامت‌ها و مصوت‌های بلند و کوتاه ساخته می‌شوند و تعداد هجاها یا محل قرارگیری تکیه نیست که حس وزن را ایجاد کند، بلکه امتداد صامت‌ها و مصوت‌ها، نظم خاص وزن را پدید می‌آورد.

از ما به‌طور معمول منظوم صحبت می‌کنیم، بنابراین هنگامی که یک جادوگر و یا یک پری مهربان از گفتار موزون استفاده می‌کند فوری از موجودات فانی زمینی که فقط می‌توانند از نثر استفاده کنند، جدا و متمایز می‌شوند. این تضاد، کیفیتی کم و بیش جادویی به کار می‌بخشد.

وجوه تمایز دیگری از این قسم نیز می‌توان پدید آورد. من در افسانه‌ی «جنایت و افتخار» از نثر برای قطعات روایی یکنواخت‌تر (توضیح‌ها و ارتباط بخش‌ها) استفاده کردم، درحالی‌که شخصیت‌ها منظوم سخن می‌گفتند. چنین گفت و گوهایی کاملاً طبیعی به نظر می‌رسیدند و عروسک‌ها چنان که بودند، جلوه می‌کردند.

راوی: از میان اوراق تاریخ اعمال زشت و اشتیاق‌های لطیف، این داستان پر جنب و جوش سر برمی‌آورد که پیش از این حکایت نشده، اما برای تأثیر گذاشتن بر قلب کسانی که گوش شنوا دارند، مقدر شده است. داستان هیجان‌انگیز ما از دفتر کار **کاسیوس ام. گرایم**، مهمانخانه‌دار و سرمایه‌گذاری ثروتمند و برجسته آغاز می‌شود.

گرایم: گاهی به من می‌گن «پول»

گاهی می‌گن «اسکناس»

روزنامه و جدولم،

حساب کتاب پولاس

تنوع اوزان و بحور نیز می‌تواند در بهبود شخصیت‌پردازی خاص عروسک‌های گوناگون به کار آید. یک عروسک ساعت می‌تواند با وزنی تند و کوتاه صحبت کند.

ساعت: تیک تاک و تیک تاک! ساعت

با این صداها راحتم

حرف می‌زنم با قافیه

می‌گم پاشو، خواب کافیه!

وقتی بخوای با دنگ و دنگ

بهت خبر می‌دم با زنگ

مجموعه‌های فراوانی از نمونه‌های نظم و بحور وجود دارند که شاید بخواهید آن‌ها را بیازمایید. محدوده‌ی امکانات را فقط تخیل نمایش‌نامه‌نویسی مشخص می‌کند.

نظم‌پردازی می‌تواند به طرز توضیح‌ناپذیری در طنز یک سطر یا یک موقعیت تأثیر داشته باشد. هم‌چنین استفاده از نظم می‌تواند متنی را که موضوع آن از نظر نمایشی کسالت‌آور است، سبک کند. در نمایش‌نامه‌ی من درباره‌ی تاریخ سیاتل قدیم، چند مهاجر پیشگام از نبودن زنان در مهاجرنشین جدید شکایت می‌کردند. برای هجو مخصوصه‌ی آن‌ها، تصمیم گرفتم آن‌ها را وادارم که موقعیتشان را با نظم توضیح دهند.

مرد ۱: این جا کارا جفنگه!

یه جای کار می‌لنگه!

یه چیزایی کم داریم

هی دَس رو دَس می‌ذاریم

تور و حریر و والان

پاپیون و عطر و روبان

جون تو شهر بی‌زن

لطفی نداره اصلاً

مرد ۲: تو تنهایی اسیرم

هیچ زنی نیست بگیرم

سلیقه‌شو رو کنه

خونه‌رو جارو کنه

تو کار آشپزخونه

هر کاری رو بدونه

بشکنه کلی هیزم

نون بپزه با گندم

حال اگر موضوع نمایش‌نامه‌تان را یافته‌اید و

هر کسی که حس وزن دارد و قدری قافیه در اختیار دارد، می‌تواند نظم‌پردازی را شروع کند. گاهی می‌تواند مایوس‌کننده باشد، اما هنگامی که قافیه‌ها جور شوند، فوق‌العاده رضایت‌بخش است. شاید شعر نباشد، اما ابتکار می‌خواهد و می‌تواند به متن شما نوعی زیبایی ببخشد و سرگرم‌کننده باشد.

کتاب‌های مرجع نیز در دسترس است، برای شروع کار آماده‌اید و کار خواهید کرد. گاه به نظر می‌رسد که قافیه‌ها جاری می‌شوند و نظم تقریباً خود به خود نوشته می‌شود. گاه نیز ساعت‌ها برای یک دوبیتی وقت صرف می‌کنید؛ اما دست برندارید. اگر واژه‌ی زن جا نمی‌افتد، دوشیزه، دختر، زنک یا عزیزم را جایگزین کنید. بالاخره یکی به کار می‌آید. اگر بیمار در وزن نمی‌گنجد، مریض، پریشان، ناخوش احوال یا مبتلا را امتحان کنید (یا حتی می‌توانید شخصیت‌تان را مجبور کنید بهبود یابد).

اگر می‌خواستید «شاهزاده قورباغه» را به نظم بنویسید، باید هنگامی که شاهزاده خانم از قولش درمورد بوسیدن قورباغه سر باز می‌زند، به این مصراع‌ها فکر می‌کردید:

شاهزاده خانم: تو می‌گی شاهزاده خانوم
باید ببوسه قورباغه
قافیه‌های «قورباغه»
ناجوره، مثل «کلاغه»
خوب نمی‌شه با «الاغه»
ربطی نداره «چراغه»
می‌شه به جاش بگم «وزغ»
قافیه چی؟ «آجغ و جغ؟»
قافیه هم درد سره!
کارش مرور بیش‌تره
شعرو ولش کن، بی‌خیال
آهان! یه فکر ایده‌آل!
شاهزاده خانم: من به تو قولی ندادم
حیوون لیز و زشت و کج!
بابای من پادشاهه
ندار بیفتم سر لج

و دیگر نقاط عطف این مسیر تا نقطه‌ی «پایان» نیز همین‌گونه است. با این‌که «کج» قافیه‌ی دم دستی است، تقریباً نزدیک بود پیش از پیدا کردن آن، جا بزنیم.